

سنجش نقش سرمایه اجتماعی بر محرومیت نسبی از طریق کاربست رسانه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی شهر نجف آباد)

حمیدرضا عشقی پور^۱

چکیده:

این پژوهش با هدف شناخت رابطه مابین سرمایه اجتماعی با توجه به کاربست رسانه‌های اجتماعی مجازی بر محرومیت نسبی در میان جامعه میانسالان و سالمندان (مطالعه موردی شهر نجف آباد)، بر مبنای دو متغیر: (۱) ارتباط و اثرپذیری افراد از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی و (۲) تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی از طریق شبکه‌های مجازی بر محرومیت نسبی، با استفاده از معادلات ساختاری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و نتایج حاکی است، سرمایه اجتماعی با توجه به محتوای خبری رسانه‌های اجتماعی مجازی با میزان محرومیت نسبی رابطه مستقیم و معنادار دارد. همچنین سرمایه اجتماعی به صورت غیرمستقیم بر محتوای خبری این رسانه‌ها در راستای گسترش میزان اعتماد جاری کاربران به سایرین نقش دارد. از سوی دیگر تأیید گردید سرمایه اجتماعی با بهره مندی از رسانه‌های اجتماعی مجازی تأثیر مستقیمی در تبدیل محرومیت مطلق به محرومیت نسبی و در ادامه کاهش محرومیت نسبی ایفا می‌نماید.

واژگان کلیدی: رسانه‌های مجازی، شبکه‌های اجتماعی، ارتباط و اعتماد

اجتماعی، سرمایه اجتماعی، محرومیت نسبی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - مدرس و پژوهشگر دانش فرهنگ و ارتباطات (دکتری فرهنگ و ارتباطات) Dr.Eshghi@yahoo.com

^۲ - SEM = Structural Equation Modeling (مدل سازی معادلات ساختاری)

مقدمه

در عصر فرا اطلاعاتی - جامعه دانایی محور - اندیشمندان بسیاری از این واقعیت اساسی که شکاف‌های مختلف در جامعه مابین افراد دارا و ندار عمیقاً در حال گسترش است، ابراز نگرانی جدی می‌نمایند (Dettrey & Campbell, 2013: 94). گزارش بانک جهانی با عنوان «۸ نفر از ۱۰ فقیر جدید در سال پیش رو در کشورهای با درآمد متوسط جهانی قرار دارند»، بیان می‌نماید: انتظار می‌رود، فقر شدید جهانی در سال ۲۰۲۱ میلادی برای اولین بار در بیش از ۲۰ سال اخیر افزایش قابل ملاحظه‌ای یابد (PRESS RELEASE OCTOBER 7, 2020).^۳ دسیلور، می‌گوید: نابرابری اقتصادی و ایجاد شکاف اقتصادی در جهان، تشدید انواع شکاف‌ها از قبیل: شکاف‌های اجتماعی، جنسیتی، طبقاتی، اقتصادی، مشارکتی، بینانسی، هویتی، مذهبی، قومی، فرهنگی و ... (DiMaggio, Hargittai, Celeste, & Shafer, 2008: 355-400)، نابرابری‌های خدمات زیستی، درمانی، فرهنگی، اجتماعی و ... را در بردارد (Shim, 2015: 448-461). این نابرابری‌ها در عرصه‌های متنوع اجتماعی و سیاسی موجب تزیاید درک فردی و جمعی از محرومیت‌های نسبی گردیده و بر میزان احساس رضایتمندی تأثیر مخرب می‌گذارد (Werner, E. and Smith, R., 1992:107, Valenzuela, Park, & Kee, 2009: 875-901)، کاهش سطح آستانه تحریک عمومی، فقدان سلامت عمومی، ضعف سلامت جسمانی و روانی جامعه (Adler, Epel, Castellazzo, & Ickovics, 2000; Cattell, 2001: 586-592)، عدم اشتیاق به مشارکت‌های آگاهانه، عدم تعلق به جامعه، انزواگرایی، رویکردهای انحصار طلبانه فردی، پوپولیسم، قومیت محوری (Valenzuela et al., 2009: 875-901, Werner, E. 1996: 24) و ... نمودهای بارز و مبرهن این رخداد تلخ در سطح جوامع است که به محرومیت نسبی می‌انجامد.

گار، معتقد است: «محرومیت نسبی، ریشه در نظریه ناکامی پرخاشگری دارد. هرچه شدت محرومیت بیشتر باشد، حجم خشونت، بیشتر افزایش می‌یابد» (گار،

³ - <https://www.worldbank.org/en/news/>

۱۳۷۷: ۲۹). ناکامی چه فردی و چه جمعی، اغلب به بسته شدن مجراها و یا راه‌های دستیابی به اهداف اشاره دارد. هنگامی که همه مجاری رسیدن به آرزوها، امیدها و اهداف مسدود گردد، بی‌تردید غلیان و ازهم گسیختگی اجتماعی، فرهنگی و ... به وقوع می‌پیوندد. یعنی مابین خواسته‌ها و واقعیت‌ها مانعی قرار دارد (بروکووتیز، ۱۳۷۲: ۱۴۲). محرومیت نسبی حاصل تفاضل انتظارات یا خواسته‌های ارزشی از توانایی‌های ارزشی است که برداشت کنشگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی ارزشی آنها عامل پیدایش و توسعه محرومیت نسبی می‌گردد (گار، ۱۳۷۷: ۴۵). محرومیت نسبی، به صورت احساس کنش‌گران بر وجود اختلاف میان انتظارات و توانایی محیط مشخص می‌شود. انتظارات ارزشی را، باید مجموعه‌ای از کالاها و شرایط زندگی دانست که مردم خود را مستحق و شایسته آنها قلمداد می‌نمایند و در ادامه تحقق آنرا یک حق مسلم و یک ضرورت بالفعل بر می‌شمارند (گار، ۱۳۷۷: ۴۳). جیمز دیویس، می‌گوید: هرچه فاصله بین انتظارات یا احساس نیاز و امکانات ارضاء نیاز بیشتر باشد، احساس محرومیت و بی‌عدالتی نسبی بیشتر و عمیق‌تر می‌گردد. هر چه ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و مادی در یک جامعه بیشتر نفوذ و گسترش یابند، احساس محرومیت نسبی بیشتر عمق و تکرر می‌یابد و هر چه اهتمام و کوشش فرد برای دستیابی به یک ارزش بیشتر شود، اهمیت آن ارزش افزایش بیشتری می‌یابد (دیویس، ۱۹۶۲: ۹۲). پژوهشگران علوم انسانی معتقدند به‌طور غیرمستقیم و از طریق واسطه‌های بالقوه، مابین ارتباطات اثرگذار بر افراد و محرومیت نسبی رابطه معناداری وجود دارد، تحقیقات نشان می‌دهد مابین ارتباطات میان فردی با سرمایه اجتماعی ارتباط نزدیک و معناداری وجود دارد (Ellison, Steinfeld, & Lampe, 2011: 873-892)، از سوی دیگر ارتباطات میان فردی با محرومیت نسبی همبستگی منفی دارد. ارتباطات میان فردی و اثربخشی بر سایرین به صورت غیرمستقیم و به‌واسطه سرمایه اجتماعی، باعث کاهش محرومیت نسبی می‌گردد (Kennedy, Kawachi, Prothrow-Stith, Lochner, & Gupta, 1998: 7-17). افزایش مداوم پیام‌رسان‌ها و کانال‌های مجازی، رسانه‌های اجتماعی، سایت‌ها و ... به عنوان ابزاری تأثیرگذار بر ارتباطات میان فردی و جمعی نقشی پر رنگ ایفا

می‌نمایند (Blanchard, 2019:104 ; Lenhart, 2011: 52; Lin & Lu, 2017: 14). آمارها نشان می‌دهد: کاربران کانال‌ها و «شبکه‌های اجتماعی مجازی»^۴ همچون واتساپ، تلگرام، فیسبوک، توئیتر و ... از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ قریب به ۴ برابر شده و این رویه با شدتی فزاینده در حال افزایش است (Hampton, Goulet, Rainie, & Purcell, 2021: 203). دوگان و اسمیت، می‌گویند: قریب به ۷۳٪ از بزرگسالان در جوامع رو به رشد به‌صورت آنلاین از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند و بالغ بر ۴۲٪ از ایشان همزمان کاربر چندین شبکه اجتماعی هستند. با توجه به نفوذ گسترده اینترنت، جوامع بیشتر از هر زمان دیگر با فضای مجازی ارتباط پیدا کرده‌اند و از طریق درگاه‌های الکترونیکی و رسانه‌های مجازی شاهد تغییر جایگاه گروه‌های مرجع هستیم که کاربران، در تصمیم‌گیری‌های جاری خود بر مبنای کسب محتواهای خبری متداول و شایع در این فضا دست به اقدام، پیگیری و تصمیم‌سازی می‌زنند (Blanchard, 2019: 86).

الیسون و همکاران، همچنین والن زوئلا و همکاران، عملکرد مثبت شبکه‌های مجازی در افزایش میزان سرمایه اجتماعی را تأیید و تصدیق کرده‌اند (Ellison et al., 2017, 2019: 1143-1168; Valenzuela et al., 2015: 875-901). والن زوئلا و همکاران، در سال ۲۰۱۵ نشان دادند، شبکه اجتماعی فیسبوک از پیوند تقویت شده با رویکرد خلق، ساماندهی و هدایت سرمایه اجتماعی برای جامعه هدف خود بهره می‌گیرد و در این راستا از کاربرد تئورهای ارتباطات جمعی: میزان رضایت مندی، افزایش تاب‌آوری و ... به منظور کسب اهداف خود بهره لازم را اخذ می‌نمایند (Y. Kim, Sohn, & Choi, 2016: 419-454). کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی عموماً از این فضا برای برقراری ارتباط فعال و تأثیرگذاری بیشتر بر جامعه هدف و گروه همسالان بهره می‌گیرند (Choi, w, 2017: 241-276).

پیوندهای فردی و جمعی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده موفقیت و اعتماد اجتماعی، پویای، رشد و تعالی فردی در ایران محسوب می‌گردد (ابراهیم فیاض، ۱۳۸۹: ۱۱۷). جامعه آماری این پژوهش اکوسیستم ایران می‌باشد که

تحت تأثیر تعالیم دینی و عقیدتی رایج و نگاه فرهنگی اجتماعی جاری در این جامعه بالاخص جامعه نمونه (نجف آباد)، موضوع حمایت از روابط محکم میان فردی، جایگاه متعالی کانون خانواده، نقشی بنیادین روابط فامیلی و گروه‌های همسالان امری بدیهی و رایج است. در نمونه، سرمایه اجتماعی ایجاد شده از این پیوندها و تأثیرگذاری غالب بر دیگران از طریق ارتباطات به یک شرط اساسی برای دستیابی به موفقیت‌های آتی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... محسوب می‌شود و در فرهنگ عامیانه موضوعی رایج است.

محرومیت نسبی به صورت مستقیم با شاخص‌های مهم فردی، اجتماعی و فرهنگی از جمله مشکلات جسمی ((Adler et al., 2013: 586-592)، میزان رضایت‌مندی اقتصادی (D'Ambrosio & Frick, 2011: 497-519)، آمار خشونت، جرم و جنایت (Kennedy et al., 1998: 7-17)، رفاه اجتماعی، سلامتی روح و روان و ... ارتباط معناداری دارد (Bellani & D'Ambrosio, 2015: 67-86). بی‌تردید نتایج این مطالعه در درک عمیق جایگاه و نحو بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی و خبررسان‌های مجازی در شناخت همه سویه تأثیرگذاری ارتباطات قابل توجه است.

ادبیات تحقیق

اسمیت، معتقد است در دهه اخیر میلادی قریب به ۵۶٪ از بزرگسالان و میان سالان در حال حاضر صاحب تلفن‌های همراه هستند و استقبال از داشتن سایر گوشی‌های غیرهوشمند به شدت رو به افول است. بالغ بر ۴۰٪ از دارندگان تلفن‌های همراه در حال حاضر از شبکه‌های اجتماعی مجازی بهره می‌گیرند. گسترش فزاینده شبکه‌های اینترنتی وای فای، بیسیم، 4G و 5G باعث تسهیل بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی گردیده (Kim, Y, 2010: 354, Smith, A, 2018: 57) و براساس یافته‌های در فروردین ماه سالجاری میزان ضریب نفوذ اینترنت در ایران بالغ بر ۹۹/۹٪ گردیده که می‌توان بروز پاندمی کرونا را یکی از عوامل اقبال عمومی به استفاده از فضای مجازی عنوان کرد.

سرمایه اجتماعی :

برخلاف سرمایه‌های مالی و انسانی، سرمایه اجتماعی ملموس نیست و به نحوی بالقوه می‌تواند به سرمایه مالی تبدیل گردد (Coleman, J. S., 1988: 94)، سرمایه اجتماعی، همان اعتماد به خود است (Fukuyama, F., 1995: 124). لین، اظهار می‌نماید، سرمایه اجتماعی از روابط میان فردی بین افراد جامعه و نه خود فرد ناشی می‌شود. لذا، با عنایت به تنوع تعاریف مختلف سرمایه اجتماعی، ناشی از تعامل افراد با سایرین معنا می‌یابد. سرمایه اجتماعی دارای «ظرفیت» و «بهره‌مندی واقعی» است که در حقیقت از مؤلفه اساسی ارتباطات منبع می‌گیرد. ظرفیت سرمایه اجتماعی فرد به قدرت بالقوه وی برای استفاده از سایر منابع در شبکه‌ای تومند و پیچیده باز می‌گردد (Lin, 2001: 82). پوتنام، تأکید بیشتری بر جنبه‌های هنجاری سرمایه اجتماعی دارد و آنرا یکی از نشانه‌های بسیط ارزش آفرینی مبتنی بر ارتباطات جمعی بر می‌شمارد (Putnam, R. D., 2000: 17)، پوتنام عمدتاً نگاهی مبتنی بر جنبه‌های جمعی و ارتباطاتی سرمایه اجتماعی دارد. وی، به اهمیت ارتباطات در مورد ایجاد اعتماد اجتماعی به عنوان شکلی از سرمایه اجتماعی می‌پردازد و برای آن سه مؤلفه: (۱) شبکه ارتباطاتی، (۲) اعتماد و (۳) ارتباطات متقابل، را قائل می‌گردد (Putnam, R. D., 2000: 17)، هرچه یک شبکه ارتباطاتی شخصی بزرگ‌تر و گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی نیز وسیع‌تر و بزرگ‌تر خواهد بود.

اعتماد، به معنای اعتقاد شخص به میزان پاسخ‌گویی مورد انتظار از منابع وابسته وی محسوب گردد و اعتماد اجتماعی به کیفیت یک شبکه ارتباطات اجتماعی مربوط است و قدرت شبکه ارتباطات اجتماعی نیز به میزان گستردگی و هم‌پوشانی سایر اعضا وابسته است. ارتباط متقابل سایر اعضا نیز منوط به مبادله منابع در شبکه ارتباطاتی می‌باشد. زمانی که شخصی از میان منابع ارتباطاتی مختلف تنها از یک منبع استفاده می‌نماید، انتظار می‌رود که در آینده کمبود منابع خود را با بهره‌گیری و تعامل از سایر منابع دیگر جبران نماید. این رویکرد نشان می‌دهد مؤلفه ارتباطات متقابل باید به عنوان یک مؤلفه هنجاری نامشهود مورد بررسی و واکاوی

قرار گیرد. این پژوهش به بررسی نقش ارتباطات در ایجاد سرمایه اجتماعی، با رویکرد جاری پوتنام، به تحلیل و بررسی موضوع می‌پردازد.

زمینه‌های بومی سرمایه اجتماعی و روابط اجتماعی در جامعه هدف و نمونه آماری:

از دیرباز روابط نسبی و فAMILI در نظام اجتماعی ایران به صورت گسترده‌ای رواج داشته و به شکل سنتی اصیل درآمده و این رویکرد توسط ادیبان، محققین و پژوهش‌گران داخلی و مستشرقین بین‌المللی همچون، هانری کربن، ریچارد فرای، پوپ و ... به تکریر تصریح گردیده است. جنبه‌های متنوع جامعه ایرانی از جمله در نجف آباد بسیار وابسته به هنجارها و ارزش‌های معنوی دین مبین اسلام است.^۵ به منظور درک کامل سرمایه‌های اجتماعی در ایران، باید چگونه ارزش‌های دینی و ملی در انواع مختلف روابط اجتماعی به شیوه‌ای گسترده و درهم تنیده درک گردد. تفوق در برقراری ارتباطات میان فردی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دستیابی به موفقیت روزافزون در فرهنگ جاری و هویت ملی ایرانیان است. میزان گستردگی حلقه ارتباطات شخصی شرط اساسی دستیابی به موفقیت‌های ایده‌آل در فرهنگ عامه ایرانیان تلقی می‌گردد. در ایران سه گونه روابط اجتماعی مشهود است: (۱) پیوند خونی که عموماً با عنوان روابط نسبی از آن یاد می‌شود، (۲) پیوندهای موقعیتی که از آن با عنوان روابط سببی نام برده می‌شود؛ (۳) پیوندهای گروه همسالان^۶ که عموم روابط دوران مدرسه، دانشگاه و شغلی را شامل می‌شود. در فرهنگ ایرانی، خانواده مؤلفه اساسی

۵ - آیه ۲۱ سوره رعد؛ آیه ۲۵ سوره رعد؛ آیه ۷، سوره بقره؛ آیات ۲۲ و ۲۳ سوره محمد؛ آیه ۲۵ سوره نحل؛ آیه ۲۷ سوره بقره؛ آیه ۲۶ سوره اسرا؛ آیه ۲۸ سوره روم؛ آیه ۱ و ۲۸ سوره نسا؛ و ... پیامبر اسلام (ص) میغوض ترین انسان ها نزد خداوند را مشرکین و قاطعین رحم معرفی نموده است.

۶ - آیه ۲۹ سوره فتح.

۷ - مقصود از «گروه همسالان»، گروهی است که اعضای آن، مرحله واحدی از زندگی (مثلاً سال‌های نوجوانی و آغاز جوانی، دوران مدرسه، دوران دانشگاه و ...) را می‌گذرانند، نه آنکه لزوماً سن برابر داشته باشند و یا در بازه سنی همسان با یکدیگر معاشرت نمایند.

جامعه و بخش اساسی و لاینفک آن است. در نظام اجتماعی ایران رعایت سنت‌ها و احترام به نهاد خانواده امری مبرز است، افراد و جامعه خصوصاً به مدد رسانه‌ها بر اهمیت پیوندهای محکم خانوادگی با موضوع «تکلیف و حق» توجه وافری می‌نمایند. بر اساس تحقیقات انجام شده در ایران ارتباطات میان فردی منبع اساسی و بنیادین ایجاد سرمایه‌های اجتماعی است.

پوتنام، معتقد است که روابط گروه همسالان یا پیوند همکاران، از آن جهت قابل توجه است که در مراکز تربیتی، همکاری و آموزشی (سربازخانه، پانسیون، خوابگاه، اداره) به صورت مستقیم و به میزان قابل توجهی بر روی انگیزه شغلی، میزان اشتغال، ارتقاء، درآمد و ... افراد تأثیر می‌گذارد (Putnam, R. D., 2000: 105). دیدن کارمندان درون یک سازمان، که از دانشگاه یکسانی فارغ التحصیل شده‌اند، در یک مدرسه درس خوانده و از همان جا فارغ التحصیل شده‌اند، موضوعی غیرمعمول نیست. عموماً استدلال می‌شود که دیوار نامرئی ایجاد شده از چنین پیوندهایی خود به گونه‌ای بازتولید نابرابری اجتماعی است، ولیکن بی‌تردید پیوندهای گروه همسالان یا همکاران در جوامع سنتی همچون ایران، نقش غیر قابل انکاری در تعیین موفقیت‌های اجتماعی ایفا می‌نمایند. ایرانی‌ها برای افزایش سرمایه اجتماعی خود تأکید زیادی بر روابط فردی، بالاخص ارتباط با افراد تأثیرگذار در جامعه (بزرگان، محترمین، کارفرمایان، گواهان نیرومند، گروه‌های مرجع، رهبران فکری^۸ و ...) دارند. در این پژوهش الویت اصلی بر شناسایی تفاوت در شیوه‌های انباشت سرمایه اجتماعی مابین اعضای خانواده و سایر افراد تأثیرگذار منظور گردیده است. بر مبنای پژوهش‌های ریو، وانگ و پارک، روابط مختلف اجتماعی از جمله پیوند گروه‌های همسالان یا انجمن‌های فارغ التحصیلان، گروه‌های مدنی و ... مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را در قالب‌های متنوعی خلق، سازمان‌دهی و تحکیم می‌بخشد و از منظر دانش اجتماعی، جوامع طایفه‌ای و خویشاوندی در مقایسه با گروه همسالان و

۸ - «رهبران فکری» افرادی هستند که در انتقال پیام‌های رسانه‌ای بر گروه‌های اجتماعی نقشی واسطه‌ای و پر نفوذ و قدرتمندی بازی می‌کنند (آسولیان، ۱۳۸۵: ۳۸۵).

انجمن‌های فارغ التحصیلان و...، از تراکم نسبتا بالاتر شبکه‌ای برخوردار است (Ryu, Wang, and Park, 2008: 459-508). پژوهش‌ها نشان می‌دهد میزان فراوانی جلسات در میان گروه‌های هم‌سالان و انجمن‌های دانش‌آموختگان بیشتر از مجامع طایفه‌ای و خویشاوندی است و از سوی دیگر اجتماعات هم‌سالان، دانش‌آموختگان، همکاران و گروه‌های مدنی نسبت به اجتماعات طایفه‌ای، خویشاوندی از میزان اعتمادپذیری بالاتری برخوردار می‌شوند (Ryu, Wang, and Park, 2008: 509). این یافته‌ها نشان می‌دهد، پیوندهای فردی در روابط گروه‌های دانش‌آموزی، دانشجویی و گروه‌های مدنی با انتظارات همگانی و عمومی در راستای کسب منابع مادی بالقوه به شیوه‌ای مستقیم گره خورده و پیوندهای خونی تا حد بسیار زیادی به میزان انتظارات غیرمادی (معنوی) شخص در چارچوب مؤلفه‌های روانشناختی وابسته‌اند.

شناخت و بررسی رابطه میان کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی:

فضای مجازی نقش مهمی در تسهیل روابط میان فردی ایفا می‌نمایند (Lee, H., & Lee, J. 2010: 711-727)، تنوع بسیط ایجاد شده در شبکه‌های اجتماعی مجازی امکان حفظ آشنایان و دوستان قدیم و همچنین کشف و شناسایی رفقا و دوستان جدید را به صورت هم‌زمان و مدیریت شده فراهم می‌نماید (Donath, J., & boyd, d. 2004: 71-82). عمده انگیزه اصلی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی، برقراری ارتباط با سایرین می‌باشد (Espinoza, G., & Juvonen, J. 2011: 705-709; Lenhart, 2009: 47). ارتباط مستقیم و مثبتی مابین میزان کار با شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی برقرار است که با پیشرفت زمان و ترقی تکنولوژیکی نیز ژرف تر و پیچیده‌تر می‌گردد (Basiri, K., Rahman, A. A., & Iahad, N. A. 2012: 1-5). فار و همکارش، دریافتند کاربران بهره‌مند از یک صفحه مجازی متعلق به گروه فارغ التحصیل ایجاد شده در فیسبوک با توجه به جغرافیای گسترده بین‌المللی روابط میان فردی خود را به شدت تقویت و تسری داده‌اند. افراد از شبکه‌های مجازی برای توسعه جامعه آماری دوستان جدید خود با

ایجاد و گسترش پیوندهای جدید بهره می‌گیرند (Basiri, K., Rahman, A. & Iahad, N. A. 2012: 6). یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی «اعتماد اجتماعی» یا اعتماد همگانی است که مابین میزان بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی و اعتماد شخصی کاربران به سایر اعضای شبکه، ارتباط مستقیم دارد (Choi, Y., & Park, S., 2011: 241-276)، همچنین استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر سرمایه اجتماعی تأثیر مستقیم دارد (Valenzuela, S., Park, N., & Kee, K. F, 2009: 875-901)، والن زونلا و همکاران، اعلام کردند: «چگونگی بهره‌مندی از شبکه اجتماعی فیسبوک در افزایش میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی/سیاسی به شدت مؤثر است (مهندسی اجتماع) که این موضوع یکی از مؤلفه‌های اصلی افزایش میزان سرمایه اجتماعی است.

پژوهشگران از تأثیرات مستقیم میزان و شدت بهره‌مندی از شبکه اجتماعی فیسبوک بر میزان افزایش اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت مدنی/سیاسی خبر می‌دهند (Valenzuela, et al., 2009: 900). سرمایه اجتماعی عموماً نه فقط به عنوان گسترش دهنده و هم‌پوشان ارتباطات اجتماعی بلکه پیچیده‌تر از آن و به شکل ترکیبی از شبکه‌های ارتباطاتی فردی در راستای افزایش اعتمادآفرینی منتج می‌گردد. اعتمادآفرینی فردی همراه با گسترش شبکه‌های ارتباطی شخصی، عامل مؤثری در خلق و گسترش سرمایه اجتماعی است.

کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی معمولاً از این محیط برای برقراری ارتباط با افراد معین و دارای نقاط وفاق و اشتراک هم‌سو بهره می‌گیرند (boyd & Ellison, 2007: 11). استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای مدیریت ارتباطاتی کارآمد و آسان با سایر افراد مرتبط، امری بسیار مفید و کارآمد است و برای بهبود ارتباطات میان فردی با میزان تأثیرگذاری افزون بر سایرین، استفاده از شبکه‌های اجتماعی ابزاری بسیار قوی، سودمند و مؤثر است (Urista, Dong, & Day, 2009: 215-229). شبکه‌های اجتماعی ارتباط میان فردی را تسهیل و تسریع می‌نمایند، عمدتاً افراد سعی می‌نمایند، برای ارتباطات خانوادگی از ارتباطات «چهره

به چهره^۹ بهره بیشتری حاصل نمایند و معتقدند ارتباطات از طریق شبکه‌های مجازی بر روی ارتباطات نسبی و فامیلی تأثیر منفی یا عکس می‌گذارد (Gentzler, Oberhauser, Westernman, & Nadorff, 2011: 71-74; Pollet, Roberts, & Dunbar, 2011: 253-258). پژوهش‌ها تأیید کرده شبکه‌های اجتماعی ابزارهایی مفید و راهبردی برای کهن‌سالان جهت برقراری ارتباط مؤثر با سایرین خصوصاً اعضای خانواده و فامیل می‌باشد (Nef, Ganea, Müri, & Mosimann, 2013: 1041-1053). ضریب نفوذ بالای بهره‌وری شبکه‌های مجازی در میان بزرگسالان به درک شیوه زیست اجتماعی، توسعه پیوندهای فردی و جمعی، ممانعت از انزوا و افسردگی، دوری از بیماری‌های پارکینسون، آلزایمر، زوال عقل و ... ویژه دوران کهن‌سالی کمک شایانی می‌نماید.

تجربه‌های جاری در دو سال اخیر نشان داده ارتباطات از طریق تلفن‌های همراه بالاخص «تلفن‌های هوشمند» با توجه به بروز پاندمی کرونا و پیشرفت‌های صنعت ارتباطات و زیرساخت به شدت افزایش یافته است. امروزه شبکه‌های اجتماعی مجازی در زندگی روزمره کهن‌سالان با شدتی غیر قابل باور در حال نفوذ و رواج (رصد پرونده‌های پزشکی، نظارت‌های درمانی، مطالعه الکترونیک، دوستیابی و ...) است. با عنایت به گسترش روزافزون کاربران شبکه‌های اجتماعی، فرضیه‌های زیر استخراج و مورد آزمون قرار گرفته‌اند:

• H1: میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با میزان ارتباط با سایر اعضای خانواده رابطه مثبتی دارد.

• H2: میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با میزان ارتباط با سایرین و اثرگذاری لازم رابطه مثبتی دارد.

بررسی سرمایه اجتماعی از دو بعد (۱) میزان اعتماد فردی و (۲) گستره ارتباطات فردی از جمله اهداف این پژوهش است. میزان گسترش اعتماد فردی به‌طور قابل توجهی با گستره میدانی ارتباطات شخص رابطه مستقیم و معنادار دارد

9 - Face-to-face: FTF or F2F

۱۰: Smart phone

(Mayer, Davis, & Schoorman, 1995: 709-734). مابین مؤلفه اعتماد به نفس و ارتباطات میان فردی رابطه مستقیم وجود دارد. فرد هر قدر بیشتر در مورد موضوعات مختلف (مانند: نگرانی‌ها، سرخوشی‌ها، مسائل اجتماعی و سیاسی و ...) با سایرین هم‌نوایی و ارتباط برقرار نماید، اعتماد فردی بیشتر و مؤثرتری را اخذ و به حلقه دوستانش اعطا می‌نماید. ارتباط میان فردی با ترغیب، تحریض و تهییج حلقه نزدیکان به افراد کمک می‌کند تا شبکه‌های شخصی خود را با افرادی که می‌توانند در مسائل جدی با ایشان اشتراک مساعی داشته باشند، به میزان قابل توجهی گسترش دهد. همپتون و ولمن، معتقدند: ارتباطات میان فردی از طریق درگاه‌های مجازی و اینترنت به صورت قابل توجهی با اندازه و گستره شبکه ارتباطات شخصی افراد رابطه مثبت دارد و استفاده افراد از شبکه‌های اجتماعی با تنوع این شبکه‌ها که مورد استفاده کاربران هستند رابطه مستقیم دارد (Hampton, Lee, & Her, 2011: 1031-1049; Wellman, Boase, & Chen, 2002: 151-165). با توجه به یافته‌ها، فرضیه‌های زیر مورد آزمون و تصدیق و تأیید قرار گرفت:

• H3: گستره ارتباط با اعضای خانواده با میزان اعتماد به نفس فرد رابطه مستقیم دارد.

• H4: گستره ارتباط با سایرین با میزان ترغیب، تحریض و تهییج ایشان در کسب اعتماد فرد رابطه دارد.

• H5: گستره ارتباط با اعضای خانواده با گستره اندازه شبکه فردی رابطه مستقیم مثبت دارد.

• H6: گستره ارتباط با سایرین با میزان ترغیب، تحریض و تهییج با میزان گستره شبکه فردی رابطه مستقیم دارد.

محرومیت نسبی و سرمایه اجتماعی :

شکاف اقتصادی، کاهش امید اجتماعی، تمایل به رخوت همگانی و ... در جوامع در حال توسعه به شدت در حال افزایش است (D'Ambrosio & Frick, 2011: 497-519; H. J. Smith et al., 2012: 203-232). میزان وقوع جرائم در میان افرادی که از محرومیت نسبی رنج می‌برند، به نسبت سایرین از میزان

بیشتری برخوردار است (Bellani & D'Ambrosio, 2015: 67-86) که در این پژوهش، این موضوع تأیید گردید.

محرومیت نسبی یعنی احساس محرومیتی که شخص در قیاس خود با دیگر افراد یا گروه‌های اجتماعی آن را درک می‌نماید و میزان آن ناشی از تفاوت محسوس میان وضعیت مطلوب و وضعیت برساخته ذهنی ماست که رویای تحقق آن را داریم تا در آن شرایط قرار بگیریم (Runciman, 1966: 10). در این مطالعه محرومیت نسبی از منظر ذهنی مورد تحلیل قرار گرفت.

سرمایه اجتماعی، با محرومیت نسبی ارتباط مستقیم دارد (Cattell, 1996: 896; Kawachi, 1999: 52; 2001)، سرمایه اجتماعی نتیجه و اثر محرومیت نسبی تلقی می‌گردد. زمانی که مردم محرومیت نسبی را از نابرابری درآمدی و اقتصادی تجربه می‌نمایند، با سایرین احساس تعلق و انسجام کمتری می‌نمایند و این کاهش میزان تعلق و انسجام گروهی موجب ایجاد بی‌نظمی و آنومی گسترده می‌گردد و به کاهش سرمایه اجتماعی می‌انجامد (Kennedy et al., 1998: 47). سرمایه اجتماعی به مردم در کاهش میزان احساسات و نحوه شناخت محرومیت کمک شایانی می‌نماید. زمانی که فرد از سرمایه اجتماعی بالاتری در جامعه برخوردار باشد، ارتباط فزاینده‌تر و گسترده‌تری با افراد می‌یابد و در نتیجه جامعه به وی اعتماد بیشتری نموده و میزان نفوذ اجتماعی او افزایش می‌یابد و همزمان میزان رضایتمندی وی به واسطه کمک و همدردی که از سایرین دریافت می‌نماید، فزونی می‌یابد. سرمایه اجتماعی عامل گسترش حمایت اجتماعی، فزاینده عزت نفس و امید اجتماعی است و در افزایش میزان کنترل فرد بر جمع مؤثر است (Cohen & Syme, 1985: 72). اگر مؤلفه «وضعیت اقتصادی - اجتماعی»^{۱۲} افراد را به دو مقوله: (۱) گروه‌های مرفه (ممتاز/معتبر) و (۲) گروه‌های محرومین (مقابل مرفهین و کامیابان) مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد، هنگامی که فرد

۱۱ - آنومی (Anomie) به فقدان هنجار یا بی‌هنجاری اطلاق می‌گردد. این اصطلاح توسط امیل دورکیم خلق و رواج یافت.

^{۱۲} socio-economic status: SES

دارای وضعیت اقتصادی - اجتماعی ضعیف و محدودی باشد و در یک گروه محروم قرار گیرد، سرمایه اجتماعی بالایی خلق نموده و در گروه احساس محرومیت کمتری می‌نماید و وضعیت اقتصادی - اجتماعی محدود وی جایگزین مناسبی برای سرمایه اجتماعی او به شکل یک منبع متفاوت می‌گردد. این شخص در گروه، ارزشی به مراتب افزون‌تر از سرمایه اجتماعی مؤثر اسمی کسب می‌نماید. رویه‌ای که متشکل از شبکه ارتباطاتی فردی و اعتماد آفرینی شخصی است و به کاهش میرز محرومیت نسبی منجر می‌گردد. در گروه‌های مرفه (کامیابان)، به دلیل وضعیت اقتصادی - اجتماعی نسبتاً بالای این گروه، نگرش پویاتر و پایاتری به مؤلفه سرمایه اجتماعی تولید می‌گردد که با در نظر گرفتن شاخص‌های سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی مؤثر در کسب مزایای بیشتر در کوتاه‌ترین زمان محقق می‌گردد. به دلیل درک صحیح فرد از مزایای بالقوه و بالفعل سرمایه اجتماعی، این مقوله عامل مستقیم کاهش میزان محرومیت نسبی بوده و همچنین سرمایه اجتماعی عامل مؤثری برای کاهش میزان محرومیت نسبی قلمداد می‌گردد که در این مورد نیز فرضیه‌های زیر مورد آزمون و تأیید قرار گرفت.

- H7: اعتماد فردی به اعضاء خانواده در کاهش میزان محرومیت نسبی مؤثر است.
- H8: اعتماد فردی مؤثر به سایرین در کاهش میزان محرومیت نسبی مؤثر است.
- H9: اندازه شبکه ارتباطاتی فردی در کاهش میزان محرومیت نسبی مؤثر است.
- H10: گستره ارتباط با خانواده به واسطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر مقوله سرمایه اجتماعی مؤثر است.
- H11: گستره ارتباط مؤثر با سایرین به واسطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر مقوله سرمایه اجتماعی مؤثر است.
- H12: رابطه بین اعضاء خانواده به واسطه سرمایه اجتماعی بر محرومیت نسبی مؤثر است.

● H13: رابطه مؤثر با سایرین به واسطه سرمایه اجتماعی بر محرومیت نسبی مؤثر است.

روش تحقیق (متدولوژی):

به منظور بررسی دقیق فرضیه‌های پیشنهادی، این مطالعه به شکل نظرسنجی آنلاین از ۲۱۶۹ شهروند^۱ به صورت کاملاً تصادفی انجام و جمع‌آوری گردید. این نظرسنجی به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با نسبت جنسیت، سن، جغرافیای زیست و ... در اول فصل بهار سال ۱۴۰۰ شمسی محقق گردید. میانگین سنی شرکت کنندگان ۳۹/۵۹ سال ($SD = ۹/۴۵$) که مابین ۱۴ تا ۶۹ سال می‌باشد. ترکیب جنسیت کاملاً یکنواخت و پاسخ‌ها شامل ۵۱/۴٪ مشارکت کنندگان ذکور و مابقی اوناث می‌باشند. درآمد متوسط نمونه آماری مابین ۳۰ تا ۱۰۰ میلیون ریال بود.

ابزارها

همه اندازه‌گیری‌ها به جز اندازه‌گیری برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، از مقیاس ۵ نقطه‌ای طیف لیکرت (۱ = کاملاً مخالف، ۵ = کاملاً موافق) و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی از طریق مقیاس ۷ نقطه‌ای طیف لیکرت اندازه‌گیری گردید. در این مطالعه به دو الگوی بنیادین رفتاری بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی مجازی: (۱) خواندن و (۲) نوشتن محتوا در شبکه‌ها توجه گردید. در این پژوهش از مشارکت جویان پرسیده شد که یک کاربر در شبکه‌های اجتماعی مجازی چه میزان محتوا تولید و مشاهده می‌نماید تا میزان اندازه‌گیری شبکه‌های اجتماعی مجازی استخراج گردد. قابلیت اطمینان $M = ۲/۹۸$ ، $SD = ۱/۹۲$ ، $N = ۲۱۶۹$ و آلفای کرونباخ $\alpha = ۰/۹۰$ محاسبه شد که میزانی قابل قبول است. میزان ارتباط و تأثیرگذاری بر سایرین به دو بعد فرعی تقسیم گردید: (۱) ارتباط با خانواده (نسبی و فامیل) و (۲) ارتباط عمومی (با سایرین). در این پژوهش ابتدا از مشارکت کنندگان خواسته شد تا میزان ارتباط با خانواده را در مورد چهار مورد: الف) نگرانی‌های فردی؛ ب) زندگی اجتماعی، از جمله زیست عمومی در جامعه (مدرسه،

دانشگاه، فضای کار؛ ج) سرگرمی (تماشای تلویزیون، مطالعه و ...؛ د) بهره‌مندی و تعامل در مورد مسائل فرهنگی، اجتماعی و ... مشخص نمایند و با عنایت قابلیت اطمینان اندازه‌گیری $M = 2/16$ ، $SD = 0/82$ ، $N = 2169$ و آلفای کرونباخ $0/76 = \alpha$ موارد احصاء شده نشان از مقبولیت می‌باشد. در مرحله بعد، از شرکت‌کنندگان در تحقیق خواسته شد که میزان گفتگو با سایرین را در مورد همین موضوعات پاسخگو باشند که آزمون پایایی نشان داد، آلفای کرونباخ $0/72 = \alpha$ و قابلیت اعتماد $2/27$ $M = 2169$ ، $SD = 0/79$ می‌باشد و این اعداد بر قابل قبول آزمون و نتایج تصریح نمود.

گستره شبکه شخصی به اندازه‌ای تلقی می‌گردد که فرد به آن میزان در مورد موضوعات مهم و دغدغه‌هایش با سایرین ارتباط برقرار می‌نماید. در این پژوهش از شرکت‌کنندگان خواسته شد، تعداد افرادی که با آنها در ارتباط هستند، در چه موضوعاتی تعامل می‌نمایند: الف) مشکلات مربوط به زندگی در محیط خارج از خانه؛ ب) مسائل نسبی؛ ج) موضوعات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛ د) جزئیات روزمره زندگی فردی. برای این اندازه‌گیری از مقیاس طیف ۷ تایی لیکرت (هیچکس، ۱ تا ۲ نفر، ۳ تا ۴ نفر، ۵ تا ۶ نفر، ۷ تا ۸ نفر، ۹ تا ۱۰ نفر، بیش از ۱۱ نفر) استفاده گردید. قابلیت اطمینان اندازه‌گیری $SD = 0/98$ ، $M = 2/71$ ، $N = 2169$ و آلفای کرونباخ $0/77 = \alpha$ کسب گردید که مؤید مقبولیت می‌باشد. در موضوع سنجش میزان اعتماد پذیری فردی، از شرکت‌کنندگان در تحقیق خواسته شد تا میزان اعتماد خود را به: الف) اعضای خانواده؛ ب) دوستان؛ ج) همسایگان؛ د) همکاران؛ ه) همسالان^۴ ارزیابی و پاسخ دهند. اندازه‌گیری میزان اعتماد شخصی به خانواده $SD = 0/73$ ، $M = 4/41$ ، $N = 2169$ و اندازه‌گیری میزان اعتماد شخصی به سایرین $M = 3/20$ ، $SD = 0/58$ ، $N = 2169$ با آلفای کرونباخ $0/81 = \alpha$ (متوسط) به‌دست آمد که مؤید قابل قبول بودن آزمون می‌باشد.

۱۴ - در ایران روابط دوران مدرسه و دانشگاه، حوزه، سرپازی یکی از مهمترین دارایی‌های موفق و موثر فرد برای زندگی اجتماعی می‌باشد.

در مورد سنجش محرومیت نسبی، از روش پیشنهادی چای و کیم استفاده شد که جامعیت محتوایی دارد (Chae & Kim, 2004:728-734) و گزینه‌های آن عبارتند از: الف) دیدن افرادی که از نظر اجتماعی بالاتر از سطح من باشند، برایم ناخوشایند است؛ ب) دیدن افرادی که از من خوش جذاب‌تر هستند، برایم ناخوشایند است؛ ج) دیدن افرادی که از تجربیات شغلی بهتری نسبت به من بهره می‌برند، برایم ناخوشایند است؛ ج) دیدن افرادی که از من ثروتمندتر هستند، برایم ناخوشایند است؛ د) دیدن افرادی که توانایی‌های طبیعی بهتری نسبت به من دارند، برایم ناخوشایند است. که در این مورد اندازه‌گیری قابلیت اطمینان $M = 2/72$ ، $SD = 0/84$ ، $N = 2169$ و آلفای کرونباخ $\alpha = 0/94$ به دست آمد که نشان از قابلیت اطمینان می‌باشد.

	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱ بهره مندی از رسانه‌های اجتماعی						
۲ ارتباط با خانواده	*** 0/13					
۳ ارتباط با سایرین	*** 0/24	*** 0/50				
۴ میزان اذیت‌ماد به خانواده	0/01	*** 0/20	*** 0/10			
۵ میزان اذیت‌ماد به سایرین	0/03	*** 0/18	*** 0/15	*** 0/33		
۶ گستره شبکه شخصی	*** 0/25	*** 0/29	*** 0/36	*** 0/16	*** 0/24	
۷ محرومیت نسبی	0/02-	* 0/05-	0/00	*** 0/12-	*** 0/23-	*** 0/12-
Note: $N = 2169$, $p < 0/05$, $p < 0/001$, ***						

جدول شماره ۱ - میزان همبستگی متغیرهای اصلی پژوهش مورد مطالعه

برای تجزیه و تحلیل دقیق‌تر این مطالعه از تأثیر متغیرهای کنترل کننده: (۱) وضعیت وضعیت اقتصادی - اجتماعی؛ (۲) سابقه تحصیلی؛ (۳) میزان درآمد و

هزینه‌های ماهانه خانوار بهره گرفته شد و درآمد متوسط ماهانه خانوار ۳۰ تا ۱۰۰ میلیون ریال برآورد گردید.

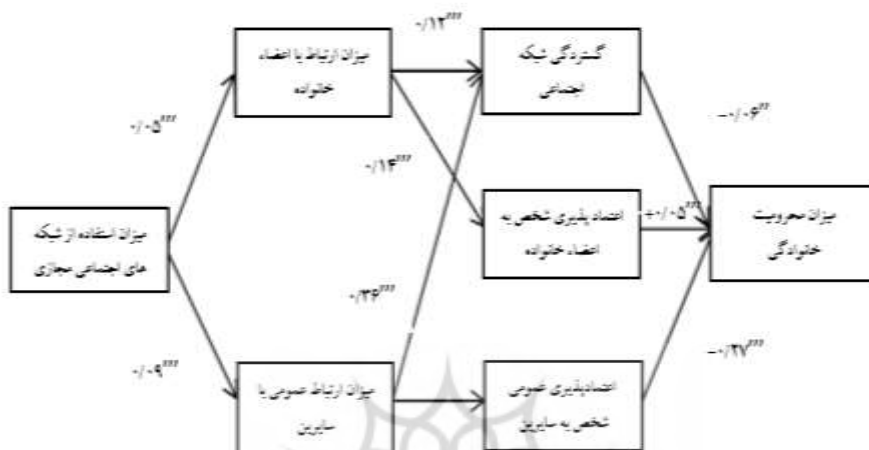


نتایج آزمون فرضیه‌ها:

در این مطالعه برای آزمون فرضیه‌ها، از روش تحلیل مسیر و مدل سازی «معادلات ساختاری»^{۱۵} به کمک نرم افزار «ایموس»^{۱۴} استفاده گردید. در مسیرهای مستقیم ۶ متغیر اصلی تعریف و ۴ کواریانس در میان ۵ مقوله خطا به مسیر اضافه گردید (شکل زیر). دو متغیر (شبکه ارتباطاتی فردی و اعتماد پذیری شخصی) از منظر مفهومی برای مشارکت کنندگان در پژوهش مبین ارتباط در نظر گرفته شد. با بهره‌گیری از متد «لی و لیم»، جهت کنترل دقیق اثرات سه مؤلفه شبکه‌های اجتماعی مجازی، مسیرها نیز از سه متغیر به همه متغیرهای برون‌زا و درون‌زا مطابق شکل به مدل اضافه گردید (Lee and Lim's, 2007: 37). مسیر نهایی نشان می‌دهد، ضرایب رگرسیون هر مسیر چه میزان است و پس از کنترل اثرات سه مؤلفه برشمرده شده شبکه‌های اجتماعی، مسیرهایی از متغیرهای کنترل به کلیه متغیرهای اصلی مورد مطالعه جهت شفافیت و درک واضح و مؤثر مدل حذف گردید. در ادامه بر مبنای پژوهش‌های هو و بنتلر، از سه شاخص مناسب (۱) شاخص تناسب مقایسه‌ای (CFI) که بالاتر از ۰/۹۰ است؛ (۲) شاخص تناسب افزایشی (IFI) که آن نیز بالاتر از ۰/۹۰ است؛ (۳) مربع استاندارد مانده (SRMR) که پایین تر از ۰/۱۰ است (Hu and Bentler, 1999: 1-55) برای مدل سازی استخراج و در نهایت مدل نهایی با شاخص‌های متناسب با مدل استاندارد $X^2 (df = 8) = 104/15$ ، $CFI = 0/96$ ، $SRMR = 0/03$ ، $IFI = 0/96$ استفاده گردید.

^{۱۵} SEM

^{۱۴} AMOS 21



***: $p < 0.10$, †: $p < 0.01$, ††: $p < 0.001$:

شکل ۴ - مدل مسیر متغیرهای کلیدی مورد مطالعه

بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی با دو متغیر ارتباطاتی در این پژوهش نشان می‌دهد، رابطه معنادار مثبتی مابین این دو متغیر حاکم است. یعنی ارتباط شخص با اعضای خانواده ($\beta = 0.05$ ، $P < 0.001$) و ارتباطات عمومی با سایرین ($\beta = 0.09$) =، از مؤلفه‌های $H1$ و $H2$ پشتیبانی می‌نماید. با توجه به تأثیر ارتباطات میان فردی بر مقوله سرمایه اجتماعی، ارتباط با سایر اعضای خانواده با اعتماد به نفس ایشان ($\beta = 0.14$ ، $P < 0.001$) و شبکه شخصی ($\beta = 0.12$)، $P < 0.001$) ارتباط مثبت دارد که از مؤلفه‌های $H3$ و $H5$ پشتیبانی می‌نماید. همچنین میزان ارتباط عمومی با سایرین با میزان اعتماد شخصی به سایرین ارتباط مستقیم دارد ($\beta = 0.12$ ، $P < 0.001$) که در شبکه اجتماعی شخصی تابع ($\beta = 0.36$)، $P < 0.001$) می‌باشد و این نتایج نیز از مؤلفه‌های $H4$ و $H6$ پشتیبانی می‌نماید. در این مطالعه تأثیرات بالقوه سرمایه اجتماعی بر محرومیت نسبی محرز و تأیید گردید و ثابت شد، افزایش سرمایه اجتماعی موجب کاهش محرومیت نسبی می‌گردد. معادلات

ساختاری این تحقیق نشان داد، میزان نفوذ سایرین ($\beta = -0.27$, $p < 0.001$) با گستردگی شبکه شخصی ($\beta = -0.06$, $p = 0.001$) به‌طور معناداری بر مؤلفه محرومیت نسبی تأثیر منفی دارند. اعتماد شخصی نسبت به اعضای خانواده ($\beta = -0.05$, $p = 0.007$) در محرومیت نسبی تأثیر ناچیزی دارد، یعنی مؤلفه $H7$ در این موضوع مداخله بسیار اندکی دارد و مؤلفه‌های $H8$ و $H9$ کاملاً قابل تأیید است.

متغیرهای مستقل	واسطه‌ها	متغیرهای وابسته	آماره‌ها
۱ بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی	ارتباط با اعضای خانواده	گستردگی شبکه فردی	($p < 0.001$) ۵/۴۱
		اعتماد شخصی به اعضای خانواده	($p < 0.001$) ۴/۶۱
۲ بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی	ارتباط مؤثر با سایرین	گستردگی شبکه فردی یا شخصی	($p < 0.001$) ۸/۵۸
		اعتماد فردی به سایرین و تأثیرگذاری بر آنها	($p < 0.001$) ۶/۴۰
۳ ارتباط با اعضای خانواده	گستردگی شبکه فردی	محرومیت نسبی	($p < 0.008$) -۲/۶۶
		اعتماد شخصی به اعضای خانواده	($p < 0.008$) -۱/۷۲
۴ سایرین	گستردگی شبکه فردی	محرومیت نسبی	($p < 0.001$) -۳/۱۱
		اعتماد شخص به سایرین و تأثیر بر آنها	($p < 0.001$) -۵/۶۶

جدول شماره ۲ - میزان آماری متغیرها و واسطه‌ها در آزمون سوبل^{۱۷}

^{۱۷} Sobel test

به منظور بررسی نقش واسطه‌ها از آزمون سوبل، استفاده گردید، برای آزمون تأثیر یک متغیر میانجی در معادلات ساختاری، آزمون سوبل از پرکاربردترین آزمون‌ها است که برای درک معناداری و تأثیر یک متغیر میانجی در ارتباط با دو متغیر دیگر به کار می‌رود. در این آزمون هرچه داده‌ها زیادتر باشد، امکان دستیابی به یک نتیجه دقیق و معتبر قطعی‌تر است و در مواقعی که حجم نمونه‌اندک باشد؛^۱ بهتر است از متد بوت استرپینگ، استفاده شود (preacher & Leonardelli, 2003: 105). باتوجه به جدول فوق آزمون سوبل، برای اکثر تأثیرات واسطه‌های آماری تبیین شده، معناداری صراحتاً تأیید گردید، بجز یک استثناء که تأثیر واسطه‌ای اعتماد شخصی بر اعضای خانواده را در مؤلفه ارتباطات اعضای خانواده با میزان محرومیت نسبی آزمون که با توجه به استنباط از تحلیل داده‌ها ($P = 0/08$) مبرهن شدن معناداری، نقش واسطه‌ای ارتباطات میان فردی و سرمایه اجتماعی بر میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر محرومیت نسبی تأیید گردید و ثابت شد، مؤلفه H۱۳ به صورت با واسطه از مؤلفه H۱۰ نقش حمایتی دارد.

بررسی و بحث:

این مطالعه با هدف بررسی چگونگی بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تأثیر نهایی آن بر میزان محرومیت نسبی، از طریق ارتباط و تأثیر بخشی بر دیگران با محوریت سرمایه اجتماعی به انجام رسید. برای این پژوهش از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری یک مدل تهیه و مورد پژوهش قرار گرفت. نتایج حاصل نشان می‌دهد، بیشتر فرضیه‌های پیشنهادی از نظر آماری با ضریب اطمینان نسبتاً بالایی، پشتیبانی و تأیید می‌گردد. این موضوع موید نقش مهم ارتباطات میان فردی و سرمایه اجتماعی بر میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی مجازی در ارتباط با میزان تغییرات محرومیت نسبی می‌باشد.

^۱- در آزمون سوبل، یک مقدار Z-value از طریق فرمول بدست می‌آید که در صورت بیشتر شدن این مقدار از ۱/۹۶ می‌توان در سطح ۹۵ درصد معنادار بودن تأثیر میانجی یک متغیر را تأیید نمود.

تأثیر میزان بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات میان فردی بر سرمایه اجتماعی:

تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی در زندگی شگرف و غیرقابل انکار است (Blanchard, 2019: 117). پژوهش‌های پیشین از تأثیرات مستقیم شبکه‌های اجتماعی در ایجاد ابعاد چندگانه سرمایه اجتماعی حاکمیت دارد (Lin & Lu, 2011: 565-570)، مطالعات نشان می‌دهد، هنوز قادر به درک کامل فرآیند اثربخشی شبکه‌های مجازی بر مؤلفه سرمایه اجتماعی به دلیل روابط پیچیده انسانی و اجتماعی نمی‌باشیم. سرمایه اجتماعی که توسط اعتماد به نفس و شبکه ارتباطی شخصی نمایش داده می‌شود، به‌طور مستقیم ناشی از بهره‌مندی انحصاری صرف کاربر از شبکه‌های اجتماعی نیست، بلکه عمدتاً ناشی از قوت ارتباطات میان فردی کاربران با حلقه اعضا می‌باشد. اعتماد شخصی، صرفاً نمی‌تواند زمانیکه افراد بیشتر از شبکه‌های مجازی استفاده می‌کنند، افزایش یابد، بلکه می‌تواند با بهره‌مندی از ارتباطات اثربخش‌تر، در مورد موضوعات مهم و مقبول اعضا در فرایندی چند مرحله‌ای عمل نماید. در این پژوهش تأیید فرضیه‌ها بر اثربخشی ارتباطات میان فردی بر نحو چگونگی استفاده کاربران از شبکه‌های مجازی مبرهن است.

تأثیر مثبت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی برگستره ارتباط با اعضای خانواده موضوعی قابل توجه است و در این پژوهش و تحقیقات مشابه مشخص گردید، کاربری و انگیزه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان کهن‌سالان از کثرت قابل توجهی برخوردار است و این روند در حال افزایش است (Nef et al., 2019: 1041-1053). شبکه‌های اجتماعی به یک کانال ارتباطی مناسب، قابل قبول برای افراد سالمند در جامعه تبدیل شده و ارتباطات فامیلی از طریق شبکه‌های اجتماعی به شیوه‌ای مؤثر مقبولیت همگانی یافته و برای تقویت پیوندها به عنوان یک ابزار مفید تلقی می‌گردد.

تأثیر سرمایه اجتماعی و نحو ارتباطات اجتماعی بر محرومیت‌های نسبی:

تأثیر مستقیم سرمایه اجتماعی بر محرومیت نسبی ثابت و تأیید گردیده است (Kawachi, 1999:120-130). در این تحقیق ثابت گردید، سرمایه اجتماعی بیشتر به واسطه تأثیرات ارتباطات میان فردی بر محرومیت نسبی مؤثر است. مردم در حال حاضر عمده سرمایه‌های اجتماعی خود از طریق ارتباطات میان فردی به واسطه رسانه‌های مجازی کسب می‌نمایند و عموماً محرومیت نسبی ضعیف‌تری را نسبت به افراد مشابه که بی‌بهره از شبکه‌های اجتماعی هستند؛ تجربه می‌نمایند. در این پژوهش تأیید شد، ارتباط مؤثر با سایرین، محرومیت نسبی را به واسطه مؤلفه سرمایه اجتماعی کاهش می‌دهد و تأثیرگذاری میزان و نحو ارتباطات فامیلی بر محرومیت نسبی و میزان اعتماد به نفس رویکردی مؤثر است. توسعه شبکه‌های شخصی فعال، حاکی از افزایش قابل توجه میزان سرمایه اجتماعی است که می‌تواند به افراد کمک نماید تا درک خود را نسبت به محرومیت نسبی کاهش دهند. در موضوع اعتماد فردی به خانواده بر مبنای نتایج آمارهای توصیفی میانگین نمره $M = 4/41$ احصاء گردید که از تأثیرگذاری نسبتاً بالا حکایت دارد و از سوی دیگر میزان اندک انحراف استاندارد ($SD = 0/73$) نشان می‌دهد، قشر کثیری از مشارکت‌کنندگان در تحقیق از میزان اعتماد به نفس نسبتاً بالای حضور در شبکه خانوادگی گزارش داده‌اند، یعنی افزایش میزان اعتماد شخصی نسبت به خانواده از میزان محرومیت نسبی به شدت می‌کاهد.

مطالعات نشان داده، استفاده مکرر و ممتد از شبکه‌های اجتماعی مجازی در راستای کاهش میزان افسردگی روحی دانشجویان در کالج‌ها امری مفید و اثربخش است (Neira and Barber, 2014: 66) و استفاده از فیسبوک توسط دانشجویان دانشگاه‌ها با سلامتی جسمی، قدرت تحلیل بالا و افزایش هوش ارتباطی آنها رابطه مثبت دارد (Liu and Yu, 2013: 16)، در پژوهش صورت پذیرفته، محرز گردید، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در افزایش درک و فهم بیشتر کاربران مؤثر بوده و محرومیت نسبی را به میزان قابل توجهی می‌کاهد.

نتیجه‌گیری

در مطالعه صورت گرفته، تأثیرات غیرمستقیم و احتمالی استفاده از رسانه‌های مجازی اجتماعی بر میزان محرومیت نسبی بالاخص برای بازه سنی افراد میان سال و سالمند مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت. به منظور شناسایی دقیق رابطه مابین میزان بهره‌مندی از رسانه‌های اجتماعی مجازی و محرومیت نسبی؛ با محوریت: (۱) ارتباط و نفوذ بر سایرین و (۲) تأثیر سرمایه اجتماعی بر محرومیت نسبی متمرکز گردید. این مطالعه بر مبنای مدلی تئوریک، متشکل از چهار سازه اصلی تهیه و از طریق تحلیل مسیر مورد بررسی و سنجش قرار گرفت و نتایج بر اساس مدل سازی روش معادلات ساختاری تدوین گردید. پس از آزمون‌های انجام شده تصدیق فرضیه‌های پیشنهادی تأیید و مشخص شد میزان بهره‌مندی از رسانه‌های اجتماعی مجازی بر محرومیت نسبی تأثیر مستقیم دارد. یافته‌ها حاکی است تأثیر مستقیم مثبت شبکه‌های مجازی در راستای موضوع تسهیل ارتباطات میان فردی و افزایش میزان نفوذ بر سایرین مؤثر است و به نحوی اثربخش بر کاهش میزان محرومیت نسبی تأثیر مستقیم دارد. همچنین ارتباطات میان فردی در حد زیادی در گسترش شبکه دوستی مؤثر می‌باشد.

ضرورت و اهمیت راهکارهای بهبود شیوه‌های آموزشی و تربیتی سواد رسانه‌ای و سواد دیجیتال در موضوع بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان افراد میان‌سال و سالمند که عموماً در جوامع در حال توسعه از طبقات کم درآمد هستند موضوعی الزامی است و کاربست ارتباطات هنجاری و کنش‌گرایانه می‌تواند به اینگونه کاربران کمک نماید تا سرمایه اجتماعی افزون‌تری تولید و بازنشر نموده و به نحو مؤثر در کاهش محرومیت مطلق به محرومیت نسبی عمل نماید.

منابع:

۱. فیاض، ابراهیم، (۱۳۹۸). تعامل دین فرهنگ و ارتباطات، تهران، انتشارات چاپ و نشر بین الملل.
۲. بلیک، رید، هارولدسن، ادوین، (۱۳۷۸). طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات، ترجمه مسعود اوحدی، تهران، انتشارات سروش.
۳. آسولیوان، تام، هارتلی، جان و دانی ساندروز، جان فیسک، (۱۳۸۵). مفاهیم کلیدی ارتباطات، ترجمه میرحسن رئیس زاده، تهران، انتشارات فصل نو.
۴. گار، رابرت، (۱۳۷۹). خشونت و جامعه، مدل علی از منازعات داخلی، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، انتشارات سفیر.
۵. سام دلیری، کاظم، (۱۳۸۲). سنجش محرومیت نسبی در نظریه تد رابرت گر، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۴، زمستان.
۶. ساندوز، دیوید، (۱۳۸۰). الگوهای ثبات سیاسی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. کوهن، جین و دیگران، (۱۳۸۶). فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید، علی حاجلی، تهران، انتشارات جامعه و فرهنگ.
۸. گر، تدرابرت، (۱۳۸۸). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه علی مرشدیزاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نی.

منابع لاتین

1. Adler, N. E., Epel, E. S., Castellazzo, G., & Ickovics, J. R. (2013). Relationship of subjective and objective social status with psychological and physiological functioning: preliminary data in healthy white women. *Health Psychology*.
2. Basiri, K., Rahman, A. A., & Iahad, N. A. (2012). Association between interpersonal communication and other drivers of social network sites use. *New Media and Mass Communication*.
3. Bellani, L., & D'Ambrosio, C. (2015). Deprivation, social exclusion and subjective well-being. *Social Indicator Research*.
4. Blanchard, O. (2019). *Social media ROI: Managing and measuring social media efforts in your organization*. Boston, MA: Pearson Education, Inc.
5. boyd, d .m., & Ellison, N. (2007). Social network sites: Definition, history, and scholarship. *Journal of Computer-Mediated Communication*.
6. Cattell, V. (2001). Poor people, poor places, and poor health: The mediating role of social networks and social capital. *Social Science & Medicine*.
7. Chae, J. M., & Kim, J. N. (2004). North Korean refugees' relative deprivation and psychological adjustment: Investigation of personal identity and social identity. *Korean Journal of Social and Personality Psychology*.
8. Chen, W., & Lee, K. (2013). Sharing, liking, commenting, and distressed? The pathway between Facebook interaction and psychological distress. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*.
9. Choi, W. (2011, 2017). History, culture, and reality of clan gathering. In S. Ryu, M. Jang, S. Cheon, B. Chung ,W. Choi, & J. Choi (Eds.) *History and reality of social capital in Korea*. Seoul, Korea: Baeksan Press.

10. Choi, Y., & Park, S. (2011). The effects of social media usage on social capital. *Korean Journal of Broadcasting and Telecommunication Studies* .
11. Cohen, S., & Syme, S. L. (1985). *Social support and health*. San Diego, CA: Academic Press.
12. Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*.
13. D'Ambrosio, C., & Frick, J. R. (2011). Income satisfaction and relative deprivation: An empirical link. *Social Indicators Research*.
14. Desilver, D. (2018). U.S. income inequality, on rise for decades, is now highest since 1928. Washington, DC: Pew Internet and American Life Project.
15. Dettrey, B., J., & Campbell, J. E. (2013). Has growing income inequality polarized the American electorate? Class, party, and ideological polarization. *Social Science Quarterly*.
16. DiMaggio, P., Hargittai, E, Celeste, C., & Shafer, S. (2008). Digital inequality: From unequal access to differentiated use. In K. Neckerman (Ed.), *Social Inequality* .New York, NY: Russell Sage Foundation.
17. Donath, J., & boyd, d. (2004). Public displays of connection. *BT Technology Journal*, 22.
18. Ellison, N. B., Steinfield, C., & Lampe, C. (2019). The benefits of Facebook “friends:” Social capital and college students’ use of online social network sites. *Journal of Computer-Mediated Communication*.
19. Ellison, N. B., Steinfield, C., & Lampe. C. (2011). Connection strategies: Social capital implications of Facebook-enabled communication practices. *New Media & Society*.
20. Espinoza, G., & Juvonen, J. (2011). The pervasiveness, connectedness, and intrusiveness of social network site use among young adolescents. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*.

21. Fukuyama, F. (1995). Trust: The social virtues and the creation of prosperity. New York, NY: Free Press Paperbacks.
22. Kim, J., & Lee, J. E. R. (2011). The Facebook paths to happiness: Effects of the number of Facebook friends and self-presentation on subjective well-being. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*.
23. Kim, Y. (2010). The effects of personal network (personal social capital) on labor market. Seoul, Korea: Korea Development Institute.
24. Kim, Y., Sohn, D., & Choi, S. M. (2011). Cultural difference in motivations for using social network sites: A comparative study of American and Korean college students. *Computers in Human Behavior*.
25. Werner, E. (1996). How children become resilient: Observations and cautions. *Resiliency In Action* 1(1).
26. Werner, E. and Smith, R. (1992). *Overcoming the odds: High risk children from birth to adulthood*. NY: Cornell University Press.